

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۲/۱۶

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۰۵/۱۸

صفحات: ۱۴۵-۱۶۷

امکان سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای

مصطفی امیری

دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق، واحد امارات، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی

همایون حبیبی*

استادیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

پس از انعقاد «برنامه جامع اقدام مشترک» (برجام) میان ایران و گروه ۱+۵ به همراه نماینده‌ی عالی اتحادیه‌ی اروپا در امور امنیتی و سیاست خارجی در تیرماه ۱۳۹۴، عده‌ای از همان ابتدا از این سند به عنوان شیوه‌ای ابتکاری و جدید یاد نمودند که از قابلیت لازم برای ایجاد تحول در نظام حل و فصل اختلافات هسته‌ای به عنوان یک الگو برخوردار است. این مقاله مبتنی بر یک روش توصیفی - تحلیلی، در صدد ارائه پاسخ به این پرسش است آیا به واقع برجام توانست چنین تحولی را ایجاد نماید؟ در پاسخ باید گفت که چگونگی حل و فصل اختلاف هسته‌ای ایران در مقایسه با پرونده‌های کره‌شمالی و لیبی، تأیید برجام توسط شورای امنیت، لغو تمامی تحریم‌های هسته‌ای و به رسمیت شناختن حقوق هسته‌ای ایران (هر چند به صورت محدود) و سازکار حل و فصل اختلافات برجام که از ماهیت ویژه برخوردار است، در زمره‌ی مهمترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های برجام هستند که اگر طرف‌های مقابل به طور کامل به تعهداتشان پایبند می‌ماندند، موارد مذکور می‌توانستند موجب گردند که برجام به عنوان شیوه‌ای بدیع و ابتکاری، خود را به عنوان یک الگو برای حل و فصل اختلافات هسته‌ای و دیگر اختلافات بین‌المللی معرفی کند. خروج یکجانبه آمریکا از این سند و بازگشت تحریم‌های ثانویه این کشور و نیز پایبندی بسیار ناقص کشورهای اروپایی به برجام، امر مذکور را با ابهامات و تردیدهای فراوان روبرو ساخت و نشان داد که برجام نمی‌تواند چندان در این زمینه، نقش‌آفرین باشد.

واژگان کلیدی: برجام، حل و فصل اختلافات هسته‌ای، مذاکره، کنترل پایبندی، تحریم.

اژانس بین‌المللی انرژی اتمی در طول دوران حیات خود با پرونده‌های هسته‌ای پیچیده و دشواری روبرو بوده است که غیر از پرونده‌ی ایران، می‌توان به پرونده‌های کره‌ی شمالی و لیبی نیز اشاره کرد. با پذیرش «برنامه‌ی جامع اقدام مشترک» (برجام) در ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ جولای ۲۰۱۵) در وین اتریش بین ایران و گروه ۱+۵ (شامل آمریکا، فرانسه، انگلیس، روسیه، چین و آلمان) به همراه نماینده‌ی عالی اتحادیه‌ی اروپا در امور امنیتی و سیاست خارجی، اختلاف هسته‌ای ایران بعد از بیش از یک دهه خاتمه پذیرفت. با پذیرش برجام، دنیا شاهد حل و فصل یکی از پیچیده‌ترین و چالش‌برانگیزترین اختلافات بین‌المللی، آن هم از طریق یک شیوه‌ی ابتکاری و جدید بود. پس از این اتفاق، شورای امنیت طی قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ که در فاصله‌ی تنها چند روز پس از انعقاد برجام، به تصویب رساند، بر مفاد برجام مهر تأیید زد. برجام که بیشتر از ماهیت یک موافقتنامه‌ی سیاسی برخوردار است و نمی‌توان آن را یک معاهده‌ی حقوقی الزام‌آور دانست، یک سری تعهدات داوطلبانه و سیاسی (طبق فرآیند مشروح در سند) را بر عهده‌ی طرفین قرار داده و تمامی تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین تحریم‌های چند جانبه و ملی (اتحادیه اروپا و آمریکا) مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران را لغو نموده است. با پذیرش این سند، بسیاری در دنیا به صراحت از وقوع یک تحول بنیادین در عرصه حل و فصل اختلافات هسته‌ای سخن کردند و از برجام به عنوان یک شیوه‌ی و الگوی ایده‌آل برای حل و فصل اختلافات بین‌المللی نام بردند که البته به تدریج و با گذشت دوران، اتفاقاتی در زمینه‌ی اجرای این سند بوقوع پیوست که موجب گردید وضعیت به گونه‌ای دیگر رقم بخورد. آنچه که در طی چند سال گذشته و در پی انعقاد برجام، در محافل علمی مطرح بوده است، این پرسش اساسی است که آیا این سند از ظرفیت‌های و قابلیت‌های لازم برای نقش‌آفرینی ویژه و ایجاد تحول اثرگذار در حوزه حل و فصل اختلافات هسته‌ای برخوردار است؟ به واقع اگر پرونده‌ی هسته‌ای ایران با پرونده‌های هسته‌ای کشورهای چینی، کره‌ی شمالی و لیبی از جهت مسیر طی‌شده برای حل و فصل اختلاف فی مابین مقایسه شود و نیز به حقوق و تعهدات هسته‌ای در نظر گرفته‌شده برای طرف‌های پرونده نگاهی انداخته شود و همچنین اگر آمریکا و کشورهای اروپایی به مسیر طی‌شده و سند منعقد شده بی‌اعتنایی نمی‌کردند و به تعهدات خود پایبند می‌ماندند، شاید امروز با جدیت و قوت بیشتری می‌توانستیم برجام را یک الگوی مناسب برای حل و فصل اختلافات هسته‌ای و حتی دیگر اختلافات بین‌المللی مطرح سازیم. لیکن در وضعیت

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦
کنونی که تحریم‌های یکجانبه‌ی آمریکا مجدداً و با شدتی بیش از گذشته برقرار شده است و اروپا نیز به صورت بسیار نقص در پایبندی به این سند قرار دارد، دیگر بسیار دشوار است که بتوان وضعیت فوق‌الذکر را برای برجام متصور بود. با این توصیف این مقاله برای ارائه پاسخ به پرسش مطرح‌شده این مقاله در صدد آن است که ابتدا به صورت اجمالی مفاد و ماهیت سند مهمترین و اصلی‌ترین ویژگی‌های برجام که می‌توانست آن را به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ی معرفی کند، را بررسی نموده و در ادامه این مسئله را نیز تبیین نماید که چرا در عمل این اتفاق نیفتاد و دیگر کسی به مانند روزهای آغازین اجرای سند، چنین انتظاری از برجام ندارد.

۱. نگاهی به مفاد و ماهیت برجام

در این قسمت، به طور اجمالی ابتدا به مفاد و در ادامه به ماهیت برجام اشاره می‌شود.

۱-۱. مهمترین مفاد سند

برجام که برخی از آن به عنوان یکی از اتفاقات حقوقی و بین‌المللی مهم قرن ۲۱ در حوزه‌ی علوم و فناوری هسته‌ای یاد نموده‌اند (رضائی پیش‌رباط: ۸۴) دارای ۳۷ بند و ۵ سند ضمیمه می‌باشد، به موضوعات متعددی اشاره شده است، از جمله اینکه: اجرای کامل این برجام موجب حصول اطمینان از ماهیت صرفاً صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای ایران خواهد شد. اجرای موفقیت‌آمیز برجام، ایران را قادر می‌سازد تا مطابق مفاد آن پی‌تی و این سند، به طور کامل حق خود بر استفاده از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را استیفاء نماید؛ کلیه تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنین تحریم‌های چندجانبه و ملی مرتبط با برنامه هسته‌ای به طور کامل لغو خواهد شد (Joint Comprehensive Plan of Action (JCPOA), 2015: Preamble and General Provisions (X-XVI) در قسمت اول سند؛ راجع به غنی‌سازی، تحقیق و توسعه‌ی غنی‌سازی و ذخایر آمده است که «طرح بلندمدت ایران شامل برخی محدودیت‌های مورد توافق در مورد همه‌ی فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم و فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی اورانیوم، از جمله برخی محدودیت‌های مشخص در برخی فعالیت‌های خاص تحقیق و توسعه، برای هشت سال نخست، و به دنبال آن، با یک ضرب‌آهنگ معقول، تکامل تدریجی به سمت مرحله‌ی بعدی فعالیت‌های غنی‌سازی ایران برای اهداف منحصرأ صلح‌آمیز، به نحو موصوف در ضمیمه‌ی ۱ خواهد بود» (JCPOA, 2015: Section. A (1)). اینکه

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —
انجام فعالیت‌های مرتبط با غنی‌سازی طی ۱۵ سال، صرفاً در نطنز اصفهان صورت گیرد و
تأسیسات فرد و تنها یک مرکز هسته‌ای، فیزیک و فناوری باشد و همچنین سقف سطح
غنی‌سازی اورانیوم، به ۳٫۶۷ درصد محدود شود، از مهمترین نکات موضوعات این قسمت از
برجام می‌باشد (JCPOA, 2015: Section. A (2-7)).

قسمت دوم برجام در خصوص تأسیسات هسته‌ای اراک به این موضوع اشاره دارد که ایران
براساس طراحی اولیه مورد توافق و در قالب یک همکاری بین‌المللی، این تأسیسات را باز
طراحی کند و اینکه ایران نمی‌تواند به مدت ۱۵ سال، راکتور آب سنگین دیگر یا انباشت آب
سنگین داشته باشد (JCPOA, 2015: Section. B (8-12)).

بندهای ۱۳ تا ۱۷ قسمت سوم، به انجام اقدامات شفاف‌ساز و اعتمادساز توسط ایران از جمله
اجرای موقتی پروتکل الحاقی و اقدام به تصویب آن در چارچوب زمانی مقرر در ضمیمه ۵
اشاره دارد. (JCPOA, 2015: Section. C (13-17)).

چگونگی لغو تحریم‌ها، موضوع قسمت چهارم برجام می‌باشد. به موجب این قسمت، گروه
۵+۱ و اتحادیه اروپا متعهد شدند که لغو تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت، اتحادیه اروپا و
آمریکا مرتبط با برنامه هسته‌ای، همزمان با اجرای اقدامات توافق‌شده به صورت کامل لغو
شود و و اینکه طرف مقابل هرگز اقدام به بازگرداندن یا تحمیل مجدد تحریم‌های لغو شده
ننماید (JCPOA, 2015: Section. D (18-26))، که البته هرگز این امر از سوی آمریکا
محقق نشد و این کشور نه تنها تحریم‌های یکجانبه گذشته خود را بازگرداند، بلکه به این امر
قوت بخشید و دایره تحریم‌ها را گسترده‌تر نمود. تنها ۶ روز بعد از انعقاد سند، و در تاریخ ۲۰
جولای، شورای امنیت با اتفاق نظر قطعنامه‌ی شماره ۲۲۳۱ را در تأیید مفاد برجام تصویب نمود
که این خود یکی از ویژگی‌های برجام محسوب می‌شود که در ادامه به اجمال مورد اشاره قرار
می‌گیرد.

۲-۱. ماهیت سند

چه پیش از انعقاد برجام و چه پس از آن، بازار اظهارنظرها و دیدگاه راجع به ماهیت برجام،
بسیار داغ بود. برای مثال، اعضاء تیم مذاکره‌ی کننده‌ی ایران قبل از اینکه برجام به تصویب
برسد، بر این اعتقاد بودند که برجام یک معاهده حقوقی الزام‌آور محسوب نمی‌شود و نیازمند
تصویب مجالس قانونگذاری طرفین نمی‌باشد. این سند شامل یک سری تعهدات سیاسی و

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦

داوطلبانه است که نافی تکالیف اجباری حقوقی براساس تکالیف و الزامات حقوق داخلی است، همچنین شرایط طرفین باعث شده است که این سند را یک معاهده‌ی حقوقی ندانیم (بعیدی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۸). البته تا حدود زیادی مشخص است که دلیل این سخن این بود که تیم مذاکره‌کننده و قوه‌ی مجریه به دنبال این بودند که بدون دخالت مجلس در امر بررسی و تصویب برجام، این سند را پذیرفته و نهایی نمایند. کمیسیون ویژه‌ی بررسی برجام در مجلس نیز پس از برگزاری جلسات متعدد مقرر داشت که: «کمیسیون در مجموع، برجام را یک توافق سیاسی می‌داند» (متن کامل گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.farsnews.com) همچنین طبق بیانیه‌ی سیاسی‌ای که از سوی ایران پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت منتشر شد، برجام به عنوان بخشی از بسته سیاسی قول و قرارهایی معرفی شده که در یک فرآیند سیاسی مورد پذیرش قرار گرفته است (بیانیه جمهوری اسلامی ایران پس از تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد در تایید برجام، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.mfa.gov.ir). دیدگاه آمریکا نیز این بود که اینکه برجام یک معاهده‌ی بین‌المللی نیست و صرفاً یک تفاهم‌نامه‌ی سیاسی و غیرالزام‌آور می‌باشد (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۶۳-۶۲). دیگر طرف‌های برجام همچون اتحادیه اروپا، چین و روسیه فقط از زاویه شورای امنیت به سند برجام نگاه کرده و آن را سند حقوقی نمی‌دانند. در کل هیچ یک از طرف‌های مقابل حاضر نشدند چنین سندی را از منظر حقوقی، الزام‌آور بدانند (سادات میدانی، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.irdiplomacy.ir). در خصوص ماهیت برجام، برخی حقوقدانان بر این باورند که برجام یک موافقتنامه یا معاهده نیست، بلکه یک تفاهم سیاسی یا موافقتنامه‌ی نزاکتی است. مهمترین دلایل مخالفان بدین شرح می‌باشد:

نخست اینکه اسم این سند، برنامه‌ی جامع اقدام مشترک است و نه معاهده یا موافقتنامه (صابری انصاری، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.khabaronline.ir).

درباره این استدلال باید گفت که ماده‌ی ۲ کنوانسیون وین راجع به حقوق معاهدات (۱۹۶۹)، در تعریف معاهده از لزوم وجود تنها ۳ مؤلفه صحبت می‌کند: اینکه طرفین سند تنظیمی کشورها باشند، سند بر طبق مقررات حقوق بین‌الملل تنظیم شده باشد و سوم اینکه، مکتوب باشد (Vienna Convention on the Law of Treaties, 1969: Art.2). بدون تردید برجام تمام این مؤلفه‌ها را دارد و اینکه نام آن برنامه‌ی جامع اقدام مشترک باشد یا معاهده یا هر چیز دیگری، نمی‌تواند ماهیت را تغییر دهد.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

دوم اینکه مواردی در برجام گنجانده شده است که توافق در مورد آن‌ها به هیچ وجه در حوزه صلاحیت و اختیارات دولت‌های اطراف برجام نمی‌باشد. برای مثال به هیچ وجه پذیرفتنی نیست که چند کشور برای شورای امنیت یا آژانس تعیین تکلیف نمایند و بگویند که این دو نهاد باید اقداماتی را انجام دهند. از سوی دیگر در بحث داخلی هم در برجام، مجلس ایران و کنگره‌ی امریکا موظف شده‌اند که اقداماتی را انجام دهند که چنین امری نیز قابل قبول نیست (صابری انصاری، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.khabaronline.ir). این دلیل هم قابل انتقاد به نظر می‌رسد. در واقع اینکه یک تیم مذاکره‌کننده در زمان انعقاد یک سند، تعهداتی را برای کشور خود بپذیرند، امری کاملاً طبیعی است و اینکه در یک معاهده بتوان نهادهای بین‌المللی یا نهادهای داخلی یک کشور را ملزم به انجام یک سری کارها نمود، امر غیر عادی نیست و هرگز نمی‌توان آن را دلیلی بر این دانست که سند تهیه‌شده، معاهده محسوب نمی‌شود. در مورد خود برجام، به گفته‌ی خود مقامات ایرانی، تیم مذاکره‌کننده اختیار تام داشتند تا قضیه را حل و فصل نمایند. اما در مورد امکانپذیر بودن ملزم کردن شورای امنیت یا آژانس به انجام یک سری اقدامات در برجام، باید گفت که در قضیه حل و فصل پرونده‌ی هسته‌ای عملاً جامعه‌ی بین‌المللی که دو نهاد مذکور جزئی از آن هستند، به نوعی پذیرفته بودند که گروه ۵+۱ به عنوان نماینده‌ی آن‌ها به حل و فصل موضوع بپردازد. دقیق‌تر آنکه اعضاء این گروه، خود اعضاء دائم شورای امنیت نیز هستند. تأیید برجام با ۱۵ رأی مثبت در شورای امنیت نشان داد که به نوعی ۱۰ عضو غیر دائم نیز، با نمایندگی ۵ عضو دائم برای انعقاد چنین سندی مخالفت نداشته‌اند. البته چنین استدلالی، جنبه‌ی سیاسی دارد و صرفاً به طور خاص نظر به اوضاع و احوال مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، می‌تواند تا حدود زیادی قانع‌کننده باشد و اینکه نباید چنین استدلالی را به دیگر موارد تسری داد.

دلیل سومی که قابل طرح است، این می‌باشد که از قصد و اراده‌ی طرفین هم مشخص است که برجام، یک معاهده نیست، چرا که کشورهای عضو مدام بر این تأکید داشتند که برجام، یک موافقتنامه و سند تعهدآور نیست. و این هم از اسم سند، شکل تنظیم آن و امضاء نشدن آن و مهمتر از این، از جنس مفاد و محتوای مندرج در آن و هم از اعلام اراده همه طرفین مشخص است (Mardani Hooshmand, 2016: 82) / قربان زاده، ۱۳۹۶: ۴ / صابری انصاری، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.khabaronline.ir). قصد طرفین در برجام بر آن بوده است که این سند حاوی یک توافق جامع سیاسی با ضمانت‌اجراه‌های سیاسی باشد. برجام ناشی از اراده

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦
دولت‌ها است و طرفین به صورت داوطلبانه، تعهداتی را پذیرفته‌اند. خاصیت ویژه‌ی این تعهدات، بازگشت‌پذیر بودن آن‌هاست و اجرای آن‌ها براساس اقدامات متقابل خواهد اگر متنی مشمول حقوق بین‌الملل تلقی شود، ضمن عدم بازگشت‌پذیری، ویژگی الزام‌آوری داشته و غیرقابل تخطی است. مضاف به اینکه در صورت نقض معاهده، ناقض دارای مسئولیت بین‌المللی است (عبدالی، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: basijlaw.ir). این دیدگاه مخالفان تا حدود زیادی منطقی و قانع‌کننده است. قصد و نیت طرفین یک معاهده بسیار مهم است و رویه‌ی بین‌المللی حکایت از نقش تأثیرگذار و تعیین‌کننده‌ی آن در خصوص ماهیت یک سند دارد، و اینکه می‌تواند به عنوان یک عنصر در امر تفسیر متن یک معاهده نقش‌آفرین باشد.

چهارمین دلیل اینکه، دولت ایران اصلاً موظف نبود که برجام را جهت تصویب به مجلس بفرستد، چرا که این سند اصلاً از شمول اصل ۷۷ قانون اساسی خارج است (صابری انصاری، ۱۳۹۴، قابل دسترس در: www.khabaronline.ir). اگر بخواهیم صرفاً بر طبق تفسیر شورای نگهبان از اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی قضاوت کنیم، باید بگوییم که استدلال فوق قانع‌کننده نمی‌باشد. این شورای بر این باور است که حتی چنانچه یادداشت تفاهم هم ایجاد تعهد نماید، باید از کانال تصویب مجلس بگذرد (خلیلی‌نژاد، ۱۳۹۴: ۲۶۴) در مجموع اگرچه برجام حاوی یک سری تعهدات، آنهم پیچیده و سنگین برای ایران است و طبیعتاً نیازمند تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان می‌باشد اما چنانچه به نیت و قصد طرفین نگاه شود، متوجه خواهیم شد که استدلال فوق‌الذکر می‌تواند قانع‌کننده و قابل قبول باشد. اشاره شد که بنا بر مقامات طرفین، هیچ‌یک از کشورها قصد انعقاد معاهده‌ی الزام‌آور و ایجاد تعهد برای یکدیگر را نداشتند. لذا از این منظر، چنین سندی، مشمول اصول ۷۷ و ۱۲۵ قرار نمی‌گیرند و نیازمند تصویب مجلس نمی‌باشند.

- واژه‌ها و عبارات بکار رفته در برجام، مفهوم سیاسی دارند نه مفهوم حقوقی. در متن سند بیشتر از واژه «will» استفاده شده و نه «shall»، که این خود نشان‌دهنده‌ی تعهدآور نبودن برجام می‌باشد (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۵۸). مخالفان بیان می‌کنند که در برجام تعهداتی عنوان شده است که در گذشته نیز وجود داشت به عبارتی تعهدات قبلی بازتولید شده است بنابراین تعهدی جدید به وجود نیامده که آن را معاهده‌ای برای تصویب در مجلس بدانیم («بررسی الزام‌آور بودن برجام از نگاه حقوقدانان در کمیسیون ویژه/ تأیید انعطاف و توازن تعهدات طرفین در برجام»، ۱۳۹۴: قابل دسترس در: www.icana.ir). این نظر هم تا حدود

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ ———
زیادی قابل پذیرش است؛ چرا که اگر سند، بیان تعهدات پیشین باشد، عملاً فاقد ارزش تعهدی
مجزا است و بنابراین به خودی خود واجد اثر معاهده ای نیست.

– عدم امضاء برجام از سوی طرفین (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۵۶).

– سندی که در چارچوب برجام تنظیم شده است، منعطف و از نوع حقوق نرم است که در
حقوق بین الملل، تعریف نشده است.

حقوق نرم هرچند دارای قالب الزام آور است، اما در محتوا و چگونگی اجرا، منعطف و فاقد
ضمانت اجرای حقوقی است. این سند یک سند سیاسی یا سند حقوقی با محتوای بسیار منعطفی
است که طبق آن طرفین می توانند در صورت مشاهده تخطی از سوی طرف مقابل و یا اگر به
هر دلیلی تمایلی نسبت به اجرای توافق نداشتند، به پایبندی

خود ادامه ندهند (قنبری چهارمی، « ۱۳۹۴: قابل دسترس در: www.iran-newspaper.com).

– سازکار حل و فصل اختلافات در برجام (بندهای ۳۶ و ۳۷) متفاوت از سازکارهای حقوقی و
سیاسی حل و فصل اختلافات در حقوق بین الملل می باشد (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۵۸-۵۷).

– گروه ۵+۱، شخصیت حقوقی مستقلی ندارد و یک گروه غیررسمی است و لذا سند منعقد
شده با آن، نمی تواند معاهده باشد (ملاکریمی و جلالی، ۱۳۹۶: ۶۱). این دیدگاه فاقد وجهت
حقوقی است؛ چرا که ایران برجام را نه با این گروه، بلکه با کشورهای عضو این گروه منعقد
کرده است و هر یک از آن کشورها، به طور جداگانه عضو برجام محسوب می شوند. در مقابل،
عدهی زیادی بر این نظرند که برجام یک معاهدهی بین المللی است. مهمترین دلایل موافقان به
قرار ذیل می باشد («بررسی الزام آور بودن برجام از نگاه حقوقدانان در کمیسیون ویژه/ تأیید
انعطاف و توازن تعهدات طرفین در برجام»، ۱۳۹۴: قابل دسترس در: www.icana.ir)

– از نظر قانون اساسی، برجام نوعی عهدنامه است و تصویب آن توسط مجلس ضروری
است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶). که البته محقق شد. این دیدگاه قابل انتقاد است؛ چرا که
موافقان در واقع از منظر حقوق داخلی ایران (قانون اساسی)، برجام را بررسی و تصویب آن را
ضروری دانسته اند. این در حالی است که هدف ما از طرح سؤال مربوط به ماهیت برجام، این بود
که در واقع می خواستیم بدانیم که برجام در چارچوب حقوق بین الملل از چه ماهیتی برخوردار
است. در مجموع از منظر حقوق داخلی ایران، نظر مذکور درست است و همانگونه که بیان شد،
چون برجام ایجاد تعهد نموده است، می بایست از مجرای تصویب و تأیید مجلس و شورای

- برجام شروط مدنظر ماده‌ی ۲ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین را داراست و نیز قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ که تحت فصل ۷ منشور ملل متحد به تصویب رسیده است، الزام‌آور بودن برجام را تأیید می‌کند (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶).

- زبان نگارش برجام به شکلی است که حاکی از این است که برجام یک معاهده الزام‌آور می‌باشد. در این سند از واژگان و عباراتی چون تکالیف، تعهدات، متعهد، مشروط، منطبق با قطعنامه‌ی شورای امنیت استفاده شده است که همگی نشان می‌دهند که طرفین تعهدات الزام‌آور را پذیرفته‌اند (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۴: ۱۶).

در مجموع با توجه به ارزیابی‌های بعمل آمده از نظر مخالفان از یک سو و با توجه به دیدگاه موافقان از سوی دیگر، باید گفت که می‌توان موضوع را از دو منظر بررسی نمود. اگر بخواهیم برجام را به تنهایی و بدون در نظر گرفتن قطعنامه‌ی ۲۲۳۱ مورد سنجش قرار دهیم، باید بگوییم که برجام نمی‌تواند یک معاهده یا موافقتنامه‌ی بین‌المللی باشد. علیرغم انتقادات بسیاری که به دیدگاه‌های مخالفان وارد است، در نهایت باشد گفت که برجام بیشتر یک موافقتنامه‌ی سیاسی غیرالزام‌آور است و نه یک معاهده. اصلی‌ترین دلیل، قصد و نیت طرفین است که چه قبل از انعقاد برجام و چه بعد از انعقاد آن، طرفین مدام تأکید داشتند که به دنبال پذیرش و تصویب یک معاهده‌ی بین‌المللی نیستند. در واقع قصد هیچ‌یک از طرفین، ایجاد تعهدات از نوع معاهداتی نبوده است. همچنین واژگان و نوع عبارت‌پردازی‌های برجام نشان می‌دهد که طرفین به دنبال این بودند که یک سری اقدامات داوطلبانه را انجام دهند؛ اقدامات که نقض آن‌ها، عمل متخلفانه بین‌المللی محسوب نمی‌شود تا مسئولیت بین‌المللی برای دولت ناقض به همراه داشته باشد و آثار نقض برجام، در نهایت برگشت تحریم‌ها می‌باشد. در واقع ضمانت‌اجرای آن، برگشت به وضعیت گذشته و شرایط سیاسی پیشین می‌باشد. برجام حاوی یک سری تعهدات و اقدامات داوطلبانه، کلی و منعطف است. اگر بخواهیم برجام و قطعنامه را با همدیگر در نظر بگیریم، قضیه متفاوت می‌شود. در این حالت برجام را باید به عنوان یک سند حقوقی الزام‌آور دانست که تحت شمول حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. البته در این حالت، الزام‌آوری آن نه به اعتبار معاهده بودنش، بلکه به اعتبار منضم بودن به یک قطعنامه‌ی شورای امنیت است که طبق ماده‌ی ۲۵ منشور، برای تمامی اعضاء سازمان ملل (اعضاء برجام و غیر آن‌ها) لازم‌التابع است (قربان زاده، ۱۳۹۶: ۴۵). نکته‌ی پایانی اینکه از منظر حقوق داخلی ایران، هم عملاً نمی‌توان برجام را یک

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ ———
معاهده‌ی الزام‌آور و مشمول اصل ۷۷ قانون اساسی دانست. کما اینکه این سند، نیز هرچند از کانال تصویب مجلس و تأیید شورای نگهبان گذشت، اما اینگونه نبود که به عنوان یک معاهده، این روند را طی کند.

۲. ویژگی‌های برجام

اگر نگاهی به روند حل و فصل اختلاف هسته‌ای ایران انداشته شود و وضعیت با پرونده‌ی هسته‌ای کشورهای چوون کره‌ی شمالی و لیبی مقایسه شود، تا حدود زیادی می‌توان به برخی از جوانب و شاخصه‌های مثبت این سند پی برد. همچنین اینکه این سند طی قطعنامه‌ی مورد تأیید شورای امنیت قرار گرفته و این شورا برای نخستین بار در تاریخ عملکرد خود، تمامی قطعنامه‌های تحریمی گذشته خود را لغو نمود، از دیگر ویژگی‌های مثبت و جوانب نوآورانه‌ی آن محسوب می‌شود؛ موضوعی که در بند دوم بدان پرداخته می‌شود. همچنین سازکاری که برجام برای حل و فصل اختلاف راجع به سند مقرر نموده است، نیز در نوع خود، ابتکاری است؛ موضوعی که در بند پایانی این قسمت بررسی می‌شود.

۱-۲. پرونده‌ی ایران در مقایسه با پرونده‌ی کره شمالی و لیبی

اگر بخواهیم شناخت بهتری از میزان تأثیرگذاری و نقش برجام در تحول در شیوه‌های حل و فصل اختلافات هسته‌ای پیدا کنیم، لازم است که بدانیم، جامعه‌ی بین‌المللی با دیگر اختلافات هسته‌ای مهم و پیچیده چگونه مقابله نموده است که در این خصوص نگاهی اجمالی به پرونده‌های هسته‌ای کره‌ی شمالی و لیبی خواهیم داشت.

الف) پرونده‌ی هسته‌ای کره‌ی شمالی

نخستین جرقه‌های اختلاف میان کره و آژانس در ماه مه ۱۹۹۲ زده شد؛ زمانی که به دنبال تسلیم اظهارنامه‌های اولیه به آژانس و آغاز بازرسی‌ها، ناهمخوانی‌هایی میان گزارش‌های این کشور و یافته‌های بازرسان آشکار شد و مشخص گردید که وجوه مقادیر اعلام‌نشده‌ای پلوتونیوم در این کشور وجود دارد. آژانس در فوریه ۱۹۹۳ درخواست کرد تا از دو سایت مشکوک در این کشور بازدید کند که مورد موافقت قرار نگرفت که همین امر موجب گردید که آژانس این دو سایت را نظامی و غیرقابل بازرسی توصیف نماید (اسلامی‌زاد، ۱۳۹۰: ۱۵۸). در مقطعی دیگر

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ۵

آژانس درصدد برآمد که بازرسی‌های ویژه‌ای را از سایت‌های این کشور بعمل آورد که باز هم کره مخالفت نمود. آژانس زمانی که دید نمی‌تواند به انجام بازرسی‌ها بپردازد و کره به طور جدی از ورود بازرسان ممانعت بعمل آورد، رو به سوی صدور قطعنامه علیه این کشور آورد؛ بدین ترتیب که شورای حکام در تاریخ ۲۵ فوریه ۱۹۹۳ قطعنامه‌ای صادر و عدم‌پابندی کره به تعهدات مقرر در معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای و موافقت‌نامه‌ی پادمان را اعلام نمود (ساعتد، ۱۳۸۴: ۱۰۰)، و با بیان اینکه امکان راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای به سوی مقاصد غیر صلح‌آمیز وجود ندارد، موضوع را به شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل گزارش نمود (GOV/2645, 1993, Paras.2, 4).

در پی روی کار آمدن دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۲۰۱۶ و تصویب تحریم‌های جدید اقتصادی و اعمال فشار بر کره‌ی شمالی برای نابودی تأسیسات و تسلیحات هسته‌ای، سرانجام ترامپ و رهبر کره‌ی شمالی در ۱۲ ژوئن ۲۰۱۸ در سنگاپور با یکدیگر دیدار نمودند («ترامپ و کیم جونگ اون با یکدیگر دیدار کردند»، ۲۰۱۳۹۷: قابل دسترس در: www.yjc.ir) در این دیدار، طرفین یک سند مشترک جامع در زمینه بهبود روابط دو طرف و مسائل امنیتی امضاء کردند؛ سندی که دو طرف را به ادامه مذاکرات متعهد نموده است. آمریکا و کره شمالی در سند مشترک به ایجاد یک رژیم صلح پایدار و ماندگار در شبه جزیره کره و نیز بازیابی و بازگرداندن بقایای افراد مفقود شده از جنگ کره متعهد شدند. رئیس‌جمهور آمریکا در نشست خبری پس از دیدار، اظهار داشت که بر اساس گفتگوهای انجام شده با رهبر کره شمالی و همان‌طور که در سند مشترک آمده است، قرار شده است که این کشور مراکز آزمایش اتمی خود را به طور کامل از بین ببرد و اینکه تحریم‌ها تنها پس از اینکه روند هسته‌ای‌زدایی در شبه جزیره کره اجرایی شود، برداشته خواهند شد («دیدار تاریخی کیم جونگ اون و دونالد ترامپ»، ۱۳۹۷: قابل دسترس در: fa.euronews.co) اتفاقات مرتبط با پرونده هسته‌ای کره‌ی شمالی به همینجا ختم نشد. با اینکه کره شمالی اقدامات مثبتی چون تخریب چند سایت هسته‌ای را انجام داده است، اما دولت آمریکا تنها چند روز پس از برگزاری این دیدار، با صدور یک فرمان اجرایی، کره شمالی را همچنان تهدید فوق‌العاده‌ای علیه ایالات متحده معرفی کرد و حالت فوق‌العاده ملی در خصوص کره شمالی را به مدت یکسال دیگر تمدید، و تحریم‌های اقتصادی علیه پیونگ یانگ را بار دیگر حفظ نمود («ترامپ تحریم‌های کره شمالی را تمدید کرد»، ۱۳۹۷: قابل دسترس در: www.tasnimnews.com) با ادامه تنش‌ها، دومین دیدار

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ ———
ترامپ و رهبر کره‌ی شمالی در ۲۷ فوریه ۲۰۱۹ در ویتنام برگزار گردید که باز بی‌نتیجه ماند و طرفین به هیچ توافقی در زمینه خلع سلاح هسته‌ای و مسائل اقتصادی (رفع تحریم‌های کره) دست نیافتند (دیدار نیمه‌تمام رهبران آمریکا و کره شمالی در ویتنام بدون توافق خلع سلاح هسته‌ای، ۱۳۹۷: قابل دسترس در: fa.euronews.com/). آنچه مشخص است، این است که چالش مربوط به برنامه‌های هسته‌ای کره‌ی شمالی همچنان به قوت خود باقی است و باید منتظر ماند و دید که در آینده چه اتفاقاتی رقم خواهد خورد.

حال که تا حدودی با ابعاد و جوانب پرونده‌ی هسته‌ای کره‌ی شمالی آشنا شدیم، بهتر است به اجمال این پرونده را با پرونده‌ی هسته‌ای ایران مورد مقایسه قرار دهیم. این دو پرونده از جهات راهبردی، انگیزشی، اقتصادی و بویژه حقوقی با یکدیگر متفاوت هستند. در همان سال‌های اولیه بروز اختلاف هسته‌ای ایران، مقامات سیاسی این دو کشور هم بر تفاوت این دو پرونده تأکید داشتند. البته می‌توان برخی شباهت‌ها از منظر سیاسی و امنیتی میان این دو پرونده یافت. نخست اینکه آمریکا و برخی شرکای غربی این کشور تمام تلاش خود را انجام داده‌اند تا این دو کشور به فناوری هسته‌ای دست پیدا نکنند. دومین تشابه، را می‌توان سرسختی و مقاومت هر دو کشور در برابر زیاده‌خواهی‌های این کشورها و بعضاً آژانس و شورای امنیت دانست. اعمال تحریم‌های سنگین و بیشمار، سومین وجه اشتراک این دو پرونده می‌باشد (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۵). از منظر حقوقی، بیش از اینکه بتوان شباهت میان پرونده‌ی هسته‌ای ایران و کره‌ی شمالی قائل شد، تفاوت وجود دارد. نخستین و مهمترین وجه افتراق این دو پرونده، اهداف برنامه‌ی هسته‌ای دو کشور می‌باشد. ایران همواره دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای و نه تولید بمب هسته‌ای را به عنوان هدف خود اعلام کرده است. ایران برخلاف کره‌ی شمالی هیچگاه اقدام به اخراج بازرسان آژانس و قطع همکاری با این نهاد نمود و همواره تلاش کرد که در چارچوب‌های معاهده منع گسترش تسلیحات هسته‌ای به فعالیت‌های صلح‌آمیز خود ادامه دهد. در این راستا، همکاری‌های گسترده‌ای با آژانس نمود و تأسیسات هسته‌ای خود را به صورت وسیع و حتی در مواقعی، فراتر از روال متعارف و حدود تعهدات خود، تحت بازرسی و نظارت آژانس قرار داد. در تمام طول سال‌هایی که اختلاف هسته‌ای ایران پابرجا بود، آژانس هرگز نتوانست شواهدی دال بر انحراف برنامه‌ی هسته‌ای ایران به سمت مقاصد نظامی پیدا کند. در حالی که کره‌ی شمالی بارها اقدام به آزمایش سلاح هسته‌ای نمود و این بارزترین و بزرگترین انحراف در برنامه‌ی هسته‌ای این کشور و نقض تعهدات بین‌المللی

در مجموع با توجه به آنچه گفته شد، در باب اینکه آیا برجام می‌تواند شیوهی مناسبی برای حل و فصل اختلاف هسته‌ای کره‌ی شمالی باشد یا خیر، باید گفت که پس از انعقاد برجام، بسیاری از مقامات سیاسی و کارشناسان بین‌المللی از امکان استفاده‌ی از الگوی برجام برای حل و فصل پرونده‌ی کره‌ی شمالی سخن گفتند. برای نمونه، مرکل صدراعظم آلمان در سخنانی ابراز داشته است که «توافقنامه هسته‌ای ایران می‌تواند به الگویی برای حل مساله کره شمالی نیز تبدیل شود. ما شاهد بوده‌ایم که بعد از گذشت سال‌ها مذاکره، سرانجام توانستیم در مورد ایران به توافق دست یابیم. این مهم در سایه یک دیپلماسی مشترک به دست آمد و به نظر من می‌توان مشابه این اقدام را در مورد مساله کره شمالی نیز پیاده کرد.» («مرکل: برجام، الگویی برای حل مساله کره شمالی است»، ۱۳۹۶، قابل دسترس در: www.isna.ir/news) البته این سخنان مرکل، چند روز بعد با واکنش معاون وزیر امور خارجه روسیه روبرو شد. وی ابراز داشته است که یک اختلاف فاحش و تضاد میان وضعیت هسته‌ای ایران و کره شمالی وجود دارد، چرا که کره شمالی برخلاف ایران کشوری است که هم اکنون سلاح هسته‌ای را در اختیار دارد و به توانایی رسیده است که می‌تواند آن را آزمایش کند و در جهت توسعه مداوم سیستم‌های پرتابی در قالب موشک‌های بالستیک است. البته وی علیرغم بیان مطلب، در نهایت بیان داشته است که این پیشنهاد را با رغبت می‌پذیریم، چرا که یک نگرش جدید برای حل مسئله هسته‌ای کره شمالی نیاز است («ریابکوف: میان پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی اختلاف زیادی وجود دارد»، ۱۳۹۶؛ قابل دسترس در: www.alef.ir). همچنین خانم موگرینی، نماینده‌ی عالی اتحادیه اروپا در امور خارجی و سیاست امنیتی نیز ضمن تفاوت گذاشتن میان موقعیت ایران و کره بویژه از منظر نظام‌های سیاسی و تاریخی، هم دیدگاه مرکل را دارای اهمیت ویژه دانسته و بیان داشته است که مدل حل بحران هسته‌ای ایران می‌تواند راهنمای حل بحران هسته‌ای کره شمالی از طریق دیپلماسی باشد (موسویان، ۱۳۹۶، قابل دسترس در: www.irdiplomacy.ir).

در مجموع در خصوص امکان استفاده از الگوی برجام برای حل و فصل اختلاف هسته‌ای کره‌ی شمالی باید گفت که به نظر می‌رسد چنانچه آمریکا و کشورهای اروپایی به طور کامل به تعهدات خود پایبند می‌مانند، قطعاً برجام می‌توانست به عنوان یک الگوی مناسب، نه تنها در زمینه‌ی پرونده‌ی کره، بلکه در ارتباط با دیگر اختلافات هسته‌ای هم کاربرد داشته باشد، هر چند همانگونه که گفته شد این دو پرونده از لحاظ حقوقی، تفاوت‌های اساسی با یکدیگر دارند. برجام

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

به نحوی تنظیم شده است که در عین حال که شدیدترین و سخت‌ترین تدابیر حفاظتی و پادمانی را نسبت به برنامه‌ی هسته‌ای ایران مقرر داشته است، اما حق غنی‌سازی و استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای را تا حدودی، برای ایران به رسمیت شناخته است. همچنین قرار بود که از لحاظ اقتصادی و سیاسی هم گره‌های زیادی را باز نماید (صرفنظر از اینکه در عمل، چقدر برجام نفع سیاسی و اقتصادی نصیب ایران نموده است). با توجه به خروج امریکا از برجام در کل باید گفت که این روش، دیگر نمی‌تواند برای دولت‌های دیگر به این شکل جذاب باشد، زیرا خطر عدم اجرای آن از سوی قدرت‌های بزرگ وجود دارد. لذا به نظر می‌رسد که چنانچه کره‌ی شمالی مایل به انعقاد یک معاهده به آمریکا است، می‌بایست به نحوی اقدام نماید که سند نهایی از ضمانت‌اجرای کافی در برابر عدم پایبندی طرفین به تعهداتشان برخوردار باشد و اینگونه نباشد که همانند وضعیت ایران، کره شمالی به تمامی تعهداتش عمل نماید و آنگاه آمریکا به راحتی و بدون عواقب و تبعات حقوقی، بتواند از سند خارج شده و دوباره تحریم‌های این کشور را برقرار کند.

۲) پرونده‌ی هسته‌ای لیبی

یکی دیگر از اختلافات هسته‌ای مهم و جنجال‌برانگیز، پرونده‌ی هسته‌ای لیبی در زمان رهبری معمر قذافی بر این کشور می‌باشد. نخستین اقدام این کشور در زمینه‌ی هسته‌ای به سال ۱۹۷۰ بر می‌گردد که این کشور همچنین توانست راکتور تحقیقی ۱۰ مگاواتی را برای نیروگاه تاجورا از شوروی خریداری کند. ۱۶ آوریل ۱۹۷۹ بود که فاش شد که سرهنگ قذافی سال ۱۹۷۱ کمک‌هایی را به چین ارسال کرده تا بتواند تکنولوژی تولید سلاح‌های هسته‌ای را از چین دریافت کند. لیبی در دهه‌ی ۸۰ و نود میلادی هم به فعالیت‌های خود در زمینه‌ی هسته‌ای ادامه داد. در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۱ آمریکا مدعی شد که لیبی در تلاش است تا از دانشمندان بیکار شده روسیه در زمینه برنامه‌های سلاح‌های هسته‌ای استفاده کند. البته همزمان با این فعالیت‌ها، آژانس هم تا حدودی این امکان برایش فراهم شده بود که از سایت‌ها و تأسیسات هسته‌ای این کشور بازرسی بعمل آورد و فعالیت‌ها را راستی‌آزمایی نماید. هر چه زمان به جلوتر می‌رفت، ادعاهایی بیشتری مبنی بر اینکه لیبی در حال تولید سلاح اتمی است، مطرح می‌شد. لیبی از ژانویه تا سپتامبر ۲۰۰۴ برای اعتمادسازی اقدامات گسترده‌ای صورت داد؛ از جمله اینکه تأسیسات هسته‌ای خود را به طور کامل به آمریکا منتقل کرد و تمامی تجهیزات مرتبط با

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦
موشک‌های اسکاد سی خود را منهدم نمود (Venturini, 2011: 368-369) / «تاریخچه هسته‌ای لیبی»، ۱۳۸۳، قابل دسترس در: (aftabnews.ir). در مقابل این اقدامات، آمریکا قول داده بود که تحریم‌های این کشور را کاملاً لغو نماید که البته هرگز به وعده‌ی خود عمل نکرد. نخستین اقدام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد لیبی، به سال ۲۰۰۴ بر می‌گردد؛ زمانی که مدیرکل آژانس، در گزارشی به شورای حکام، بیان داشت که لیبی تعهداتش برای پایبندی به مقررات موافقتنامه‌ی پادمان‌ها را نقض کرده است (2004: para.35, GOV/2004/12). با اینکه مدیرکل آژانس در چهارمین و آخرین گزارش خود بیان داشت که آژانس قادر به راستی‌آزمایی عدم انحراف مواد هسته‌ای اعلام‌شده بوده است، اما شورای حکام در نهایت پرونده لیبی را به شورای امنیت گزارش نمود (Gerami and Goldschmidt, 2012: 15).
توجه به مطالب مذکور مشخص می‌کند که عاقبت اختلاف هسته‌ای لیبی، جمع‌آوری و نابودی تمام تأسیسات هسته‌ای این کشور بود. در پی این اقدام، عملاً به نوعی حق لیبی برای استفاده‌ی صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای هم از بین رفت و وعده و وعیدهایی که در زمینه‌ی لغو تحریم‌های اقتصادی این کشور هم مطرح شده بود، هیچ کدام محقق نشد. در کل اگرچه اختلاف هسته‌ای لیبی به سرنوشتی متفاوت با اختلافات هسته‌ای ایران و کره‌ی شمالی دچار شد، اما آژانس را برای مدت کوتاهی درگیر خود نمود و با سرعت بیشتری حل و فصل گردید.
۲-۲. قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت به مثابه سازکار تضمین اجرای برجام و سازکار حل و فصل اختلافات؟

یکی دیگر از جوانب مثبت و ویژگی‌های برجام، این است که این سند طی قطعنامه‌ی مورد تأیید شورای امنیت قرار گرفته است. با تصویب قطعنامه ۲۲۳۱ در تاریخ ۲۰ جولای ۲۰۱۵، شورای امنیت تصمیم به لغو مفاد تمامی قطعنامه‌ی تحریمی مصوب خود علیه ایران نمود. در نخستین و دومین بند اجرایی قطعنامه تصریح شده است که شورا برجام را تأیید کرده و به طور جدی خواستار اجرای کامل آن می‌باشد و اینکه شورا همه‌ی دولت‌های عضو سازمان ملل، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی را ملزم به انجام اقدامات لازم در حمایت از اجرای برجام و اجتناب از اقداماتی که اجرای تعهدات طبق این سند را با مشکل مواجه می‌سازد، نموده است (UN Doc. S/RES/2231, 2015: paras.1-2).
مطلب اخیر نوآوری‌های این قطعنامه نسبت به شش قطعنامه‌ی قبلی راجع به برنامه‌ی هسته‌ای ایران می‌باشد. (دلخوش، ۱۳۹۶: ۶۵)
در ادامه‌ی قطعنامه، کار راستی‌آزمایی و نظارت لازم بر تعهدات مرتبط با هسته‌ای ایران را برای

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ ———
دوره‌ی کامل این تعهدات تحت برجام بر عهده‌ی آژانس قرار داده شده است. مدیر کل آژانس
موظف است که مرتباً شورای حکام و شورای امنیت را در جریان پابندی ایران به برجام قرار
دهد (UN Doc. S/RES/2231, 2015: paras. 3-4).

بندهای ۲۱ تا ۲۳ از لغو کلیه‌ی قطعنامه‌های مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران صحبت
می‌کند که البته انجام آن‌ها به راستی آزمایی آژانس و تأیید پابندی ایران به تعهداتش طبق
برجام منوط شده بود (UN Doc. S/RES/2231, 2015: paras. 5-7). هرچند آژانس
طی چندین گزارش پابندی ایران را تأیید کرد، اما مشاهده کردیم که در نهایت آمریکا به جای
اول خود بازگشت و اینبار با شدت و گستردگی بیشتر، تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال نمود.
نکته‌ی آخر در مورد قطعنامه اینکه طبق بند ۸، نهایتاً ۱۰ سال پس از روز توافق هسته‌ای، هم
این قطعنامه و هم قطعنامه‌های قبلی شورا راجع به برنامه‌ی هسته‌ای ایران نباید اجرا شوند و
اینکه شورا رسیدگی به پرونده‌ی ایران را پایان بخشیده و موضوع عدم اشاعه را از فهرست
موضوعات در دستور کار شوار خارج می‌کند (UN Doc. S/RES/2231, 2015: para. 8).
برخی در دفاع از قطعنامه‌ی ۲۲۳۱، ابراز داشته‌اند که مقدمه‌ی قطعنامه، حکایت از تبدیل فضای
اجباری نظام امنیت دسته‌جمعی به فضای رضایی دارد که این امر، در نوع خود در تاریخ ملل
متحد و تاریخ اقدامات شورای امنیت، بی‌سابقه است. همچنین این نکته که قطعنامه ۲۲۳۱، نه
تنها شورای امنیت، بلکه گروه ۵+۱ و حتی دول ثالث مرتبط با لغو تحریم‌ها، را ملزم به انجام
اقداماتی نموده است، حایز اهمیت است. نکته‌ی سوم اینکه قطعنامه در ده مورد به ماده‌ی ۴۱
منشور ملل متحد اشاره نمود که فقط یک مورد از آنها، ایران را خطاب قرار داده است. مخاطب
نه مورد دیگر، شورای امنیت است. در طول تاریخ، این ماده هیچگاه برای شورای امنیت ایجاد
تعهد نمی‌کرد (سادات‌میدانی، ۱۳۹۴، irdiplomacy.ir). به هر حال تصویب این قطعنامه نشان
داد که جامعه‌ی بین‌المللی نسبت به روند حل و فصل اختلاف هسته‌ای ایران ابراز رضایت دارند و
مسیر طی شده را بسیار مناسب می‌دانند. اینکه بالاترین و اصلی‌ترین نهاد تصمیم‌گیرنده راجع به
صلح امنیت بین‌المللی بر روند و اقدام صورت گرفته برای حل اختلاف هسته‌ای ایران مهر تأیید
زد، خود از ویژگی‌های بارز برجام می‌باشد و اینکه نشان داد که مذاکره همچنان می‌تواند به
عنوان کم‌هزینه‌ترین و در عین حال بهترین شیوه حل و فصل اختلافات بین‌المللی باشد. باید
گفت که این قطعنامه قرار بود عملاً به عنوان تضمینی برای اجرای برجام باشد و به نوعی
کشورهای عضو را ملزم به پابندی به تعهداتشان نماید که البته وضعیت آنگونه که انتظار

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦
می‌رفت، رقم نخورد و خروج بدون دردسر و تبعات آمریکا نشان داد که همچنان باید معتقد بدین باشیم که روابط بین‌الملل به طور جدی حقوق بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده و حقوق بین‌الملل هنوز نتوانسته است به ضمانت اجرایی قوی جهت پایبند نمودن کشورهای ناپایبند به تعهداتشان دست یابد. زمانی که برجام به موجب قطعنامه‌ی شورای امنیت مورد تأیید قرار گرفت، شاید عده‌ی کمی می‌توانستند تصور کنند که آمریکا به راحتی و با بی‌اعتنایی به تعهداتش، از برجام کناره‌گیری کند. اما خروج این کشور نشان داد که چنانچه ابزار قدرت و ثروت را در اختیار داشته باشید، بدون حتی کوچکترین تبعات، می‌تواند به قواعد و مقررات مصوب خوب ناپایبند باشید که این مسئله قطعاً از نظر حقوق بین‌الملل مورد پذیرش نیست. علی‌اِحال قطعنامه غیر از اینکه ماهیت تأییدی برای برجام دارد، دربرگیرنده‌ی مقرراتی است که اهمیت آن‌ها کمتر از اصل توافق نیست.

۳-۲. سازکار حل و فصل اختلافات برجام

سازکار حل و فصل اختلافات راجع به برجام که در بندهای ۳۶ و ۳۷ آن مقرر شده است، در نوع خود، بدیع و از جوانب نوآورانه‌ی این سند محسوب می‌شود.
بند ۳۶ از نهادی تحت عنوان «کمیسیون مشترک» متشکل از نمایندگان طرفین نام می‌برد^۱ که به طور معمول هر سه ماه، یکبار تشکیل جلسه داده و در موارد بروز اختلاف به اجماع اتخاذ تصمیم می‌نماید (JCPOA, 2015: Annex IV: paras. 3 (1-2), 4(1,4)). در صورتی که ایران ادعای نماید که هر یک یا کلیه اعضای گروه ۵+۱ به تعهدات خود پایبند نیستند یا هر یک از اعضای این گروه، چنین ادعایی را علیه ایران مطرح نمایند، کمیسیون وارد رسیدگی می‌شود و موظف است ظرف ۱۵ روز (تمدید مدت در صورت اجماع طرفین) به وضعیت رسیدگی کنند. چنانچه پس از این مدت، عضوی همچنان معتقد به استمرار وضعیت عدم پایبندی باشد، می‌تواند درخواست نماید که وزیرای خارجه طرفین ظرف ۱۵ روز به موضوع رسیدگی نماید پس از بررسی کمیسیون مشترک همزمان با (یا به جای) بررسی در سطح وزیران خواه عضو شاکی یا عضوی که اجرای تکالیفش موضوع بوده است می‌تواند درخواست نماید که موضوع توسط یک هیئت مشورتی که متشکل از سه عضو خواهد بود (یکی از سوی هر یک از طرف‌های

۱. جمعاً ۸ عضو دارد که با خروج آمریکا از برجام، در حال حاضر با ۷ عضو تشکیل می‌شود.

۵ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

درگیر در اختلاف و طرف سوم مستقل) بررسی شود. این هیئت نیز می‌بایست نظریه غیرالزام آور خود را ظرف ۱۵ روز ارائه نماید. چنانچه، متعاقب این فرایند ۳۰ روزه موضوع فیصله نیابد، کمیسیون مشترک در کمتر از ۵ روز نظریه هیات مشورتی را با هدف فیصله موضوع بررسی خواهد کرد. چنانچه موضوع کماکان به نحو مورد رضایت طرف شاکی فیصله نیافته باشد، و چنانچه طرف شاکی معتقد باشد که موضوع، مصداق «عدم اجرای اساسی» می‌باشد، آنگاه آن طرف می‌تواند موضوع فیصله نیافته را به عنوان مبنای توقف کلی و یا جزئی اجرای تعهداتش وفق برجام قلمداد کرده و/یا به شورای امنیت سازمان ملل متحد ابلاغ نماید که معتقد است موضوع مصداق «عدم اجرای اساسی» بشمار می‌آید (JCPOA, 2015: para.36). پس از ارجاع وضعیت به شورای امنیت، طبق بند ۳۷ برجام، این نهاد وارد رسیدگی شده و می‌بایست منطبق با رویه‌های خود در خصوص قطعنامه‌ای برای تداوم لغو تحریم‌ها رأی‌گیری نماید. چنانچه قطعنامه ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ به تصویب نرسد، سپس مفاد قطعنامه‌های سابق شورای امنیت مجدداً اعمال خواهند شد، مگر اینکه به نحو دیگری تصمیم‌گیری شود. نکته جالب اینکه بازگشت تحریم‌ها شامل قراردادهایی که بین ایران و هر یک از طرف‌های مقابل مطابق با برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ پیش از اعمال مجدد تحریم‌ها منعقد شده است، نمی‌شود و آن‌ها همچنان به اعتبار خود باقی هستند (JCPOA, 2015: para.37). حقوق بین‌الملل برای نخستین بار است که شاهد تأسیس چنین سازکار پیچیده و چندلایه می‌باشد. برخی بر این باورند که با توجه به نقش آفرینی شورای امنیت، این سازکار قدرت محور است که البته سعی شده است این قدرت با پیش‌بینی سازکارهای حقوقی قبل از رسیدگی شورا، محدود شود (ملاکریمی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۰۱۳) عده‌ای دیگر از همان ابتدای تصویب برجام بیان داشتند که این سازکار علیه ایران خواهد بود و به هیچ وجه نمی‌توان به هیچ نقض کلی یا جزئی برجام توسط طرف مقابل واکنش نشان داد؛ به نحوی که منجر به خاتمه‌ی توافق نشود («متن کامل گزارش کمیسیون ویژه بررسی برجام در مجلس»، ۱۳۹۴: www.farsnews.com). برخی در مقابل، مشارکت ایران در تمامی مراحل تصمیم‌گیری (حتی راجع به عدم پایبندی ایران) به جز شورای امنیت را از مزایای این سازکار برشمردند (محبی و بذار، ۱۳۹۶: ۲۸۲). علی‌ایحال علیرغم دیدگاه‌های موجود در خصوص مزایا و معایب این سازکار، برای اینکه بتوان ارزیابی دقیقی از میزان موفقیت آن در پایبند نمودن اعضاء به تعهداتشان داشت، باید به نتایج عملی سازکار توجه نمود. واقعیت این است که علیرغم اینکه انتظار می‌رفت سازکار حل و فصل اختلافات برجام

امکان‌سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای ♦

بتواند به شیوه‌ای غیرقضایی و دوستانه، طرفین را پایبند به تعهداتشان نماید، اما در نهایت، خود به یکی از نقاط ضعف اساسی برجام تبدیل شد و خروج بدون ضمانت‌اجرا و تبعات آمریکا از سند و عدم پایبندی کامل اتحادیه اروپا به تعهداتشان، نشان داد که این سازکار هرگز نمی‌تواند ابزاری مفید و قدرتمند برای متعهدساختن اعضاء محسوب شود. سازکار برجام که متفاوت از شیوه‌های سنتی حقوق بین‌الملل برای حل و فصل اختلافات (شیوه‌های حقوقی و سیاسی) می‌باشد، فاقد ضمانت اجرا لازم برای پایبند نمودن اعضاء به تعهداتشان می‌باشد. بررسی محتوای جلسات کمیسیون مشترک برجام تا قبل از خروج آمریکا نشان می‌دهد که با وجود اعتراض‌های متعدد ایران به عدم پایبندی آمریکا به تعهداتش، در نهایت تصمیم کمیسیون به صدور بیانیه و توصیه به این کشور نسبت به اجرای عهداتش خاتمه می‌یافت. البته به نظر می‌رسد که چنین نتایج کاملاً قابل پیش‌بینی بود؛ چرا که این کمیسیون متشکل از قضات یا دورانی نبود که بخواهند رأی صادر کنند و آن رأی از ضمانت‌اجراهای معمول حقوق بین‌الملل برخوردار باشد. اساساً این سازکار با این هدف که بتواند مبتنی بر گفتگو و به شکل دوستانه، اعضاء را ملزم به پایبندی نماید، تأسیس شده است و به نوعی متأثر از کلیت برجام که خود به عنوان یک موافقتنامه‌ی سیاسی و نزاکتی فاقد ضمانت‌اجرا بود، این سازکار نیز هیچ ضمانت‌اجرایی برای تصمیمات کمیسیون در نظر نگرفته است. اینها، تنها برخی از نکاتی بود که نشان‌دهنده ضعف اساسی سازکار حل و فصل اختلافات برجام می‌باشد.

نتیجه‌گیری

چگونگی حل و فصل اختلاف هسته‌ای ایران در مقایسه با پرونده‌های هسته‌ای کره‌شمالی و لیبی و طی کردن این مسیر از طریق مذاکره و گفتگو و نه ابزار قهرآمیز، تأیید برجام توسط قطعنامه‌ی شورای امنیت، لغو تمامی تحریم‌های هسته‌ای و به رسمیت‌شناختن محدود حقوق هسته‌ای ایران و سازکار حل و فصل اختلافات برجام که در نوع خود در حقوق بین‌الملل بدیع و ابتکاری بود، ویژگی‌های بارز برجام هستند که می‌توانند برجام را از ظرفیت‌های لازم برای ایجاد تحول در عرصه‌ی حل و فصل اختلافات هسته‌ای و حتی دیگر اختلافات بین‌المللی و معرفی آن به عنوان یک الگو برخوردار کنند. برای اولین بار در چارچوب سازمان ملل، کشوری که موضوع قطعنامه‌های تحریمی این سازمان بوده است، اقدام به مذاکره در خصوص چگونگی حل و فصل اختلاف و خارج‌شدن از شمول این قطعنامه‌ها نموده است. تجربه‌ی برجام نشان داد که می‌توان

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ —

از استفاده از گزینه‌ی نظامی علیه یک کشور مشروعیت‌زدایی نمود و اینکه هیچ بن‌بستی برای حل و فصل اختلافات و چالش‌های بین‌المللی وجود دارد و با مذاکره و رایزنی می‌توان به نتایج مطلوب دست یافت. اینکه می‌توان از حقوق بین‌الملل به عنوان یک ابزار به رسمیت شناخته شده برای دستیابی به اهداف و منافع ملی از یک سو و تحقق آرمانها، ارزش‌های و اهداف بین‌المللی برای رسیدن به صلح و آرامش از سوی دیگر، استفاده کرد، یکی دیگر از چیزهایی است که بار دیگر در پرتو انعقاد برجام مشخص شد، که البته با خروج آمریکا، همگی اینها، بار دیگر با تردیدها و ابهامات فراوان روبرو گردیده‌اند. نحوه‌ی الزام‌آور کردن برجام که از طریق تصویب یک قطعنامه‌ی شورای امنیت صورت گرفت و لغو تمامی قطعنامه‌ی تحریمی شورای امنیت توسط خود این شورا، نیز از دیگر ویژگی‌های بارز برجام به شمار می‌رود که در حقوق بین‌الملل سابقه نداشته است. در مجموع علیرغم همه‌ی این نکات مثبت، و اینکه برجام بستری را برای نقش‌آفرینی ایران در عرصه بین‌المللی به عنوان یک دولت دارنده‌ی توان هسته‌ای و پایبند به تمام تعهداتش فراهم کرده بود، اما به یکباره با خروج آمریکا و بازگشت تحریم‌های یکجانبه‌ی این کشور (و در موارد بسیاری شدیدتر از سابق) و عدم پایبندی کامل طرف‌های اروپایی به تعهداتشان، تمام معادلات به هم خورد و با توجه به آینده نامعلوم این سند، بر جامعه‌ی بین‌المللی آشکار شد که این موضوع که برجام در حوزه‌ی حل و فصل اختلافات هسته‌ای به عنوان یک تحول محسوب می‌شود، نمی‌تواند درست باشد. در حال حاضر، واقعیت این است که دیگر نمی‌توان همانند روزهای ابتدایی انعقاد برجام، به این سند و نقش و جایگاه آن در نظام و حل و فصل اختلافات هسته‌ای خوش‌بین بود و آن را برای دیگر کشورها، جذاب و جالب دانست. این سند با ضعف‌ها و نقایصی روبرو است که بزرگترین و مهمترین آن‌ها، نبود ضمانت اجراهای حقوقی لازم جهت تضمین پایبندی طرفین بدان می‌باشد.

منابع

الف: منابع فارسی

- اسلامی‌زاد، حمید (۱۳۹۰)، **تحول در نظام پادمان‌های اژانس بین‌المللی انرژی اتمی**، کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه.
- بعیدی‌نژاد، حمید (۱۳۹۴)، **گام به گام با برجام از آغاز تا فرجام**، تهران: نشر مخاطب.
- خلیلی‌نژاد، روح‌الله (۱۳۹۴)، **تحلیل و بررسی برنامه‌ی هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱**، چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- دلخوش، علیرضا (۱۳۹۶)، «برجام و پس‌برجام از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه سیاست خارجی**، ۳۱ (۱)، صص ۵۱-۷۳.
- رستمی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، «پرونده‌ی هسته‌ای کره‌ی شمالی و تأثیر آن بر پرونده‌ی هسته‌ای ایران»، **فصلنامه سیاست دفاعی**، ۱۵ (۵۸)، صص ۱۵۴-۱۱۷.
- سادات میدانی، حسین (۱۳۹۴)، «تفسیری که طرفین از توافق هسته‌ای دارند، برجام؛ سندی داوطلبانه و غیرالزام‌آور»، **تاریخ دسترس‌ی: ۱۳۹۷/۱/۱۵**، قابل دسترس در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1951553>
- ساعد، نادر (۱۳۸۴)، «تأملی بر «اصل رضائی‌بودن پذیرش معاهدات» در آیین تولات بین‌المللی خلع سلاح و کنترل تسلیحات»، **مجله حقوق بین‌المللی**، ۳۲، صص ۹۴-۵۳.
- صابری انصاری، بهزاد (۱۳۹۴)، «برجام معاهده نیست»، **تاریخ دسترس‌ی: ۱۳۹۷/۱/۱۵**، قابل دسترس در: <https://www.khabaronline.ir/detail/451050/World/diplomacy>
- عبدالی، اشکان (۱۳۹۴)، «بررسی ماهیت برجام از دیدگاه حقوق ایران»، **تاریخ دسترس‌ی: ۱۳۹۷/۱/۵**، قابل دسترس در: <http://basijlaw.ir/story/7910>
- فتاحی زفرقندی، علی (۱۳۹۴)، **بررسی ابعاد حقوقی برجام در نظام جمهوری اسلامی ایران**، تهران: انتشارات پژوهشکده‌ی شورای نگهبان.
- قربان‌زاده، محمد (۱۳۹۶)، «جایگاه برجام در حقوق ایران و حقوق بین‌الملل»، **فصلنامه اندیشمندان حقوق**، ۵ (۱۴)، صص ۵۲-۴۱.
- محبی، محسن و وحید بذار (۱۳۹۶)، «سازوکار حل و فصل اختلاف ناشی از برجام و تعیین تکلیف تحریم‌های هسته‌ای ایران در برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد»، **مطالعات حقوقی**، دوره‌ی ۹، ش ۴- ش پیاپی ۲۶، صص ۲۷۹-۳۰۶.
- ملاکریمی، امید و جلالی، محمود (۱۳۹۶)، «ماهیت «برجام» از منظر حقوق بین‌الملل»، **مطالعات حقوق عمومی**، ۴۷ (۱)، صص ۷۳-۵۱.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و هفتم، تابستان ۱۳۹۸ ———
- موسویان، حسین (۱۳۹۶)، «گزینه ترامپ: مدل برجام ایران یا بمب هسته‌ای کره شمالی؟»، تاریخ
دسترسی: ۱۳۹۷/۱/۹، قابل دسترس در:

<http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1972257>

ب: منابع لاتین

- Fischer, David. (1997). The DPRK's Violation of Its NPT Safeguards Agreement with the IAEA, from: History of the International Atomic Energy Agency, IAEA, available at: <https://www.iaea.org/sites/default/files/dprk.pdf>
- Fry, James D. (2013). Legal Resolution of Nuclear Non-Proliferation Disputes, New York: Cambridge University Press.
- Goldblat, Jozef. (2002). Arms Control: The New Guide to Negotiations and Agreements with New CD-ROM Supplement, London: Sage.
- Goldschmidt, Pierre. (2009). Exposing Nuclear Non-compliance, Survival, Global Politics and Strategy, Vol. 51, Issue. 1, 2009, pp. 143-146.
- Gerami Nima and Goldschmidt, Pierre. (2012), the International Atomic Energy Agency's Decision to Find Iran in Non-Compliance, 2002–2006, Case Study Series, Center for the Study of Weapons of Mass Destruction, National Defense University, Washington, D.C: National Defense University Press.
- Mardani, Nader and Hooshmand, Mohammad Mehdi. (2016). JCPOA; A Dialectical Paradigm of Treaty and Other International Instruments, Journal of Politics and Law, Vol. 9, No. 3, pp. 70-84.
- IAEA, Board of Governors, GOV/2004/12, 20 February 2004.
- IAEA, Board of Governors, GOV/2645, 1 April 1993.
- Venturini, Gabriella. (2011). Control and Verification of Multilateral Treaties on Disarmament and Non-Proliferation of Weapons of Mass Destruction, University of California, Davis, Vol.17, No.2, pp. 345-383.
- Vienna Convention on the Law of Treaties, 23 May 1969.
- Full text of the report of the Special Commission on the Review of JCPOA in Parliament", Publication: October 4, 2015, Visited: February 26, 2019, from: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940712000110>
- Statement by the Islamic Republic of Iran after the approval of United Nations Security Council Resolution 2231 for confirming JCPOA, Publication: July 20, 2015, visited: February 26, 2019, from: <http://www.mfa.gov.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=2022&newsview=349928>
- Investigating the binding of JCPOA from the point of view of jurists in the

امکان سنجی قابلیت برجام به عنوان الگوی حل و فصل اختلافات هسته‌ای

Special Commission / Confirmation of the Flexibility and Balance of Obligations of the Parties in JCPOA. Publication: September 19, 2015, visited: February 24, 2019, from: <http://www.icana.ir/Fa/News/284597>

- A History of North Korea's Atomic Experiments, Publication: September 4, 2017, visited: March 10, 2019, from: <http://fa.euronews.com/2017/09/04/nkorea-nuke-test-timeline>

- North Korea announced the successful "hydrogen bomb". Publication: September 3, 2017, visited: March 10, 2019, from: <http://fararu.com/fa/news/328138/%DA%A9%>

- Trump and Kim Jong-Un met each other. Publication: June 12, 2018, visited: March 10, 2019, from: <https://www.yjc.ir/fa/news/6561636>

- Historical visit of Kim Jong-Un and Donald Trump. Publication: September 3, 2017, visited: March 7, 2019, from: <http://fa.euronews.com/2018/06/12/live-updates>

- Trump extended North Korea sanctions. Publication: June 23, 2018, visited: March 7, 2019, from:

<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1397/04/02/1757895>

- A half visit by all US and North Korean leaders in Vietnam without a nuclear disarmament agreement. Publication: February 28, 2019, visited: March 15, 2019, from: <https://fa.euronews.com/2019/02/28/trump-n-korea-kim-end-vietnam-summit-with-no-agreement>

- Merkel: Delivering is a model for solving the North Korean problem. Publication: September 3, 2017, visited: March 13, 2019, from: <https://www.isna.ir/news/96061206610/%D9%>

- Riabakov: There is a huge difference between Iran and North Korea's nuclear file. Publication: September 13, 2017, visited: March 13, 2019, from:

<http://www.alef.ir/news/3960622284.html>

- Libya's Nuclear History. . Publication: January 2, 2005, visited: March 5, 2019, from:

<http://aftabnews.ir/vdca1.ne449nukk5.html>

- Nuclear", Publication: January 10, 2015, last Visited, 10 March 2019, from:

<http://www.nti.org/learn/countries/libya/nuclear/>